

دو فصل نامه علمی-تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۸۵ تا ۲۲۷

اشتغال بیرون از منزل زنان از منظر اسلام و فمینیسم^۱

شهربانو نیکوکار^۲

چکیده

در اسلام و براساس آیات و روایات و سیره معصومین (ع) حق اشتغال زنان در پیشه های مشروع ثابت شده است و موازین والگوهایی هم برای از بین بردن آثار و پیامدهای ناشی از اشتغال بی رویه تعیین گردیده است. از جمله تناسب شغل با ویژگیهای زنانه، حجاب و عفاف و عدم اختلاط، تعارض نداشتن شغل زن با حقوق همسر و فرزندان. مکتب فمینیسم هم که زنان را بعد از انقلاب صنعتی با سیاستهای سرمایه داران به سوی کارخانه ها کشیده دلیل در نظر گرفتن تفاوت های طبیعی زن و مرد شعار تساوی حقوق این دو جنس، موجب گسترش ناهنجاریهای زیادی در اجتماع شد، و از آنجاکه با الگوهای مطلوب اشتغال که اسلام آن را بیان کرده بسیار فاصله داشت لذا اشتغال زنان را با چالش های زیادی همراه کرد. از جمله به کارگیری زنان در مشاغلی با دست مزد پایین تر نسبت به مردان، انواع نابرابری های قانونی در حیطه کار و فعالیت و... در این مقاله سعی بر آن است علاوه بر تطبیق

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

^۲ - طلبه سطح ۳ حوزه علمیه خواجه ران.

دومکتب اسلام و فمنیسم درباره اشتغال بیرون از منزل زنان به این سوالها پاسخ داده شود: آیا زن از نظر اسلام می تواند صاحب شغل و کسب و کار شود؟ همچنین اگر اسلام کار بیرون از خانه را برای زن پذیرفته آیانسبت به شغل او محدودیت و شرایطی فرض نکرده است؟ آیا زن همچون مرد می تواند در تمام شئون اجتماعی دخالت داشته باشد و نسبت به امورات جامعه فعال باشد؟ در صورتی که جامعه به حضور زنان در مشاغل رسمی نیازمند باشد آیا امکان جمع بین این دو مسئولیت هست؟ آیا میان شغل زن و وظایف خانوادگی اش تعارضی وجود دارد؟ آیا وجود قوانین حمایتی ضروری به نظر می رسد؟ بنابراین سعی شده که به این سوالات به روش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی پاسخ داده شود.

کلید واژگان: اشتغال، زنان، ادله، آثار، اسلام، فمنیسم

۱. مقدمه

اشتغال زنان به کار در دو عرصه مطرح است: ۱. در عرصه خصوصی و خانه ۲. در عرصه عمومی و اجتماع که به آن کار بیرون از خانه می گویند. زنان در طول تاریخ، مسئولیت های خانگی را بر عهده داشته و از این راه همسران را در اداره هر چه بهتر کانون خانواده یاری می داده اند. این گونه فعالیت هایی که زنان برای ساماندهی به امور منزل در داخل خانه انجام می دهند، مورد بحث هیچ یک از موافقان و مخالفان کار زنان نیست؛ زیرا مخالفان اشتغال زنان، باین نوع از کار آنان مخالفتی ندارند، بلکه آن را مجاز و متناسب با وظیفه طبیعی زن می دانند. موافقان اشتغال زنان نیز به این نوع کار نظر ندارند؛ زیرا واژه کار و اشتغال، در اصطلاح اقتصاددانان، کارهای زن در خانه را در بر نمی گیرد. در نتیجه تلاشی که زنان در خانه برای سامان دهی کانون خانواده انجام می دهند، فعالیت اقتصادی به شمار نمی آید (کیانمهر، ش ۲۳). آنچه امروزه به عنوان یک مسئله مطرح است اشتغال زنان به فعالیت در بیرون از منزل است. اما کار کردن زن در بیرون از منزل همراه با

آثار و پیامدهای فراوانی است که قابل انکار نیست از طرفی بود و نبود این پیامدها در مطلوبیت یا مرجوحیت و حتی در ممنوعیت آن نقش دارد. ما پرسش اصلی این است که با توجه به فرهنگ دینی و اسلامی، آیا زنان مجازند همانند مردان در عرصه اجتماعی به فعالیت اقتصادی بپردازند؟ نظر فمینیسم در رابطه با اشتغال زنان در بیرون از منزل چیست؟ هدف اصلی ما در این مقاله مقایسه فعالیت بیرون از منزل زنان در اسلام و فمینیسم به همراه پیامدها، اولویت ها، آثار و الگوها می باشد. اما قبل از پاسخ به این پرسشها لازم است واژه اشتغال تعریف شود. اشتغال در فرهنگ نامه های اقتصادی، به معنای مشغول بودن به کار تعریف شده است. بر اساس این تعریف، هرگونه فعالیتی که انسان، اعم از زن یا مرد در خانه یا بیرون از خانه انجام دهد، اشتغال است. برخی از اقتصاد دانان قید مزد و پاداش را نیز بر تعریف اشتغال افزوده و بیان داشته اند: اشتغال مشغول بودن به کاری است که پاداش و مزد در برابر آن وجود داشته باشد. حال که تعریف اشتغال واضح و روشن شد در ادامه به بیان پاسخ سایر پرسشها خواهیم پرداخت.

۲. مفهوم اشتغال در لغت و اصطلاح

اشتغال در لغت به معنای «به کاری پرداختن»، «به کاری سرگرم شدن» و «مشغول شدن به کاری» است. هم چنین «توجه قلبی به کسی یا کاری» را گویند. (دهخدا، ص ۲۶۳۳؛ عمید، ۱۳۸۲، ص ۲۶)

در اصطلاح جامعه شناسی آمده: «شغل یا پیشه کاری است که در مقابل دستمزد یا حقوق منظم انجام می شود» (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۵۶۲). و در نظریه اقتصادی، «کوشش انسانی یا فعالیتی است که در جهت تولید هدایت می شود. به عنوان یک عامل تولید، کار از مواد اولیه، سرمایه و مدیریت، جدا و فقط شامل مساعی کارگران در اشتغال است. به عبارتی کار همه افرادی را شامل می شود که برای زیستن کار

می‌کنند. این تعریف به نیروی کار یک ملت برمی‌گردد که شامل کلیه جمعیت قابل اشتغال و بالای سن معین است» (قدیر، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴۵). به طور معمول فعالیتهای اقتصادی زنان در بخش رسمی اشتغال نامیده می‌شود، که نیروی کار مزد بگیر نام دارد. در این بخش زنان از نیروی حمایت قانونی بیشتری برخوردارند. بخش غیر رسمی شامل کارهایی از قبیل کارهای خانگی، خانه‌داری، پرورش فرزند و... می‌شود. کار در بخش غیر رسمی به طور معمول اشتغال محسوب نمی‌شود (همان، ص ۱۱۴۵). اشتغال به کار به طور معمول وضعیتی است که مراجع و مراکز آماری و اقتصادی هر کشور با برشمردن ویژگیهای معین تعریف می‌کنند. برای نمونه مرکز آماری ایران، شاغل را چنین تعریف کرده است: «کلیه جمعیت ده ساله و بیشتر که در هفت روز پیش از مراجعه سرشماری به کاری اشتغال داشته‌اند... و در این مدت [به طور متوسط] روزی هشت ساعت یا بیشتر کار کرده‌اند، شاغل محسوب شده‌اند (مولوی و نوروزی، ۱۳۷۳، ص ۵۲)

تعریفی که از اشتغال مفید ارائه می‌شود عبارت است از: کاری که در قبال آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم، چه به صورت نقدی و چه به صورت جنسی (غیر نقدی) مزد پرداخت شود. (مرکز آمار ایران بنابراین، سالنامه آماری). و تلاشهایی که به صورت مجانی صورت می‌گیرند مثل برخی کارهای زنان در خانه مشمول اشتغال نخواهند بود. (دانش، ۱۳۸۹). بنابراین در اصطلاح متعارف اشتغال، به کارهای تمام وقت یا نیمه وقت، دارای مزد و بیرون از منزل گفته می‌شود.

۳. مروری بر تاریخچه اشتغال زنان (اسلام و فمینیسم)

با ظهور اسلام کرامت انسانی زن احیاء شد و زن در کنار مرد به عنوان نیمی از پیکره حیات بشری مطرح گردید. اسلام دخترکشی را ممنوع کرد و به جامعه آموخت که به دختران احترام بگذارند. زنان صدر اسلام در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و کارهای دیگر مشارکت داشتند (ابوفارس، ص ۲۰-۱۹). اشتغال زنان در

عصر پیامبر اعظم (ص) به شکلی وسیع به چشم می خورد و در تمامی شغل های رایج آن زمان زنان حضور داشتند. «زینب دختر جحش به صنایع دستی اشتغال داشت. زنی به نام زینب پزشک قبیله بنی داوود بود و مریضان را درمان می کرد. زنان بسیاری به امر شبانی و دامداری اشتغال داشتند مانند سلامه و ام هانی و بسیاری از زنان هم در زمینه تجارت مشغول بودند». (اسدالغایه، ج ۵، ص ۵۶۵-۴۷۷ و المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۳۰). در ایران هم، در دوره های قبل و بعد از اسلام تا نیمه قرن دوازدهم در کل جامعه (شهری، روستایی و ایلی) زنان فقط در زمینه خانواده نقش اول را داشتند و فعالیت های آنان، به طور عمده محدود به کارهای خانه می شد. (جاراللهی، ۱۳۷۲، ش ۳-۴، ص ۲۵۸-۲۵۷) از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم، به دلیل ارتباط وسیع تر ایران با تمدن صنعتی غرب، به تدریج تغییراتی در ساختار اجتماعی- اقتصادی جامعه و در نتیجه دگرگونی در زندگی و موقعیت پایتخت و شهرهای بزرگ پدید آمد. ولی در موقعیت اجتماعی زنان روستایی و زنان ایل نشین به دلیل دور ماندن از ارزشهای غربی، تغییرات عمده ای به وجود نیامد. از جمله فعالیت هایی که زنان به آن اشتغال داشتند، کارگری در کارخانه های نساجی، قالی بافی و شیلات بود و مشاغل سیاسی بسیار محدود و منحصر به زنان وابسته به طبقه حاکم می شد. به جز این موارد، زنان به طور معمول، مسئول فعالیت های داخل خانه (اعم از بچه داری، نظافت و آشپزی و...) بودند (جاراللهی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۳-۲۶۰) در قرن چهاردهم با توجه به امکان تحصیلی عمومی، اشتغال زنان در خارج از خانه، رشد بیشتری پیدا کرد.

اشتغال زنان در غرب به صورت گسترده ای پس از انقلاب صنعتی شکل گرفت. اروپا بعد از انقلاب صنعتی با کمبود کارگرونیروی انسانی مواجه و برای رفع این نقیصه به نیروی کار ارزان متوسل شد. برای اولین بار مالکیت زن در دنیای

استکبار غرب از سوی سرمایه داران و کارخانه داران مطرح شد. سال ۱۲۶۱ شمسی در اروپا زنان مالک کار خود نبودند و در قوانین مدنی مالکیتی برای زنان نمی شناختند، اما با ارائه طرحی به مجلس انگلستان مالکیت زن در امور مربوط به خود را تصویب کردند. به دنبال آن موج حرکت زنان از خانه ها به سوی کارخانه ها وسعت گرفت. در مواردی کار به جایی رسید که مردان به دنبال کار می گشتند اما زنان طالبان زیادی در مراکز اشتغال داشتند (حسینعلی ترکمان، اشتغال زن در غرب ایران، مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه، ص ۲۱۴-۲۱۳). افزایش مشارکت زنان در عرصه فعالیت های اقتصادی و اشتغال، به سبب نیاز شدید جوامع صنعتی به نیروی کار ارزان بود. در جوامع غربی حمایت از فعالیت اقتصادی زنان با شعار آزادی و مساوات صورت گرفت. کارگران و روستائیان پس از انقلاب صنعتی کشاورزی را رها کردند و به سوی مراکز صنعتی روی آوردند و با توجه به مزد کم کارگران مرد، به ناچار زنان و کودکان نیز برای اشتغال روانه کارخانه ها شدند. دلیل دیگری که باعث ورود زنان و کودکان به این عرصه گردید عدم التزام به مهارت های لازم در کار بود (عراقی، ۱۳۸۶، ص ۵۶). به نظرمی رسد که در غرب برخلاف اسلام ورود زنان به بازار کار با اهدافی کاملاً جهت یافته و بدون در نظر گرفتن خصوصیات خاص فیزیکی و روانی آنان صورت گرفته است که همین امر مشکلات جبران ناپذیری را برای آنان به دنبال داشته است.

۴. مفهوم شناسی «فمنیسم»

فمنیسم در اصل از واژه «Femme» در زبان فرانسوی مشتق شده است و به مبارزه علیه فرودستی زنان نسبت به مردان در خانه، استثمار آنها در خانواده و جایگاه نازل ایشان در محیط کار، جامعه، فرهنگ و باورها اطلاق می شود. (ملکیان، ۱۳۷۹، ص ۳۳)

«فمینیسم» در لغت به آزادی خواهی زن، زن وری، زن گرایی، و یا مؤنث گرایی اطلاق می شود. (منصورنژاد، ۱۳۸۱، ۲۴۷)

و در اصطلاح می توان جنبش فمینیسم را چنین تعریف کرد: مجموعه حرکتها و فعالیتهای اجتماعی با هدف احقاق حقوق زنان و رفع تبعیض از آنان، که غالباً به وسیله خود زنان انجام می گیرد. (همان، ۱۳۸۱، ۲۴۸)

۵. اشتغال زنان در فمینیسم

اشتغال زنان در اندیشه فمینیستی جایگاهی ویژه دارد، چون زنان را از محیط خشک و یکنواخت خانه رها کرده است و عقلانیت اجتماعی آنان را در پرتو حضور در عرصه های عمومی آشکار می سازد. از نظر فمینیستها، اولین اثر استقلال مالی زنان، ایجاد امنیت خاطری است که با اتکا به آن می توانند برابر ستمگری سرپرست خانواده ایستادگی کنند. زیرا قدرتمندی زن برابر همسرش، انزوای فرهنگ مردسالاری را در خانواده در پی دارد (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵). از دیدگاه ایشان، ماندن زن در خانه، او را به مرد وابسته می کند و تنها راهی که می توان به برابری با مردان رسید، برابری اقتصادی است. از نگاه آنان، فرودستی زنان به دلیل موقعیت ضعیفشان در بازار کار است که آنها را وا میدارد تن به ازدواج دهند. زمانی که بسیاری از زنان دستمزدی ندارند یا مزدشان ناکافی است، وابستگی اقتصادی آنها باعث می شود، بدن خود به مردان بفروشند، تا از خود و فرزندانشان محافظت کنند. از این رو فمینیستها زنان را به بازار کار فرا می خوانند تا وابستگی ستم آلودشان را به مردان از بین ببرند. (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۴-۲۷۵)

۶. معیارها و ضوابط اشتغال زنان از دیدگاه اسلام

از آنجاکه ازدیدگاه اسلام، اشتغال فقط هدفی اقتصادی نیست، بلکه جزئی از نظام کلی اجتماعی است که باید در آن اهداف معنوی، اخلاقی و دینی فرد و جامعه در جهت تعالی و کمال تأمین گردد، به همین خاطر دین مبین اسلام معیارهای کلی اشتغال را بیان کرده، وضوابط ویژه ای هم در خصوص اشتغال زنان وضع نموده است. که علاوه بر آن اهداف، تحکیم خانواده نیز در نظر بوده است. (حرعاملی، بی تا، ۴۲-۴۳/۱۲؛ زیبایی نژاد، ۱۳۸۸). آموزه هایی که اسلام برای اشتغال زنان بیان کرده به شرح ذیل می باشد که بعد از ذکر عنوان به شرح آنها پرداخته میشود ۱- تناسب شغل با ویژگیهای زنانه ۲- حجاب و عفاف و عدم اختلاط ۳- تعارض نداشتن شغل زن با حقوق همسر ۴- تعارض نداشتن شغل زن با الگوی مادری

۱. تناسب شغل با ویژگیهای زنانه

تفاوتهای تکوینی خاستگاه و منشأ تمایز بین اشتغال زن و مرد می باشد. یکی از انواع این تفاوتهای تکوینی تفاوتهای زیستی و روانی است تفاوتهای زیستی بیولوژیک (ساختار بدن) و فیزیولوژیک بین زن و مرد باعث شده که مثلاً با توجه به دستگاه تولیدمثل، دوران قاعدگی، بارداری و... کارهایی مانند بچه داری و کار با کودکان مختص زنان و کارهایی که به قدرت بدنی و نیروی بیشتری احتیاج دارد برعهده مردان باشد. بنابراین با توجه به تفاوتهای زیستی و روانی زن و مرد و لطافت و ظرافت های زنانه، اشتغال زنان باید در نوع، مقدار و چگونگی به گونه ای باشد که طبیعت زنانه را دستخوش تغییر و تخریب نکند. (آذربایجانی، ۱۳۸۰، ج ۲) امام علی (ع) می فرماید: «لا تملك المرأة أمرها ما جاوزنفسها فإن المرأة ریحانة ولیست بقهرمانه»

کاری را که بازن سازگار نیست (بیش از حد و طاقت آن) بر او تحمیل مکن. زیرا زن همچون گل بهاری است نه پهلوان و فرمانروایی خشن. در ترجمه مرحوم دشتی

چنین آمده است، کاری که برتر از توانایی زن است، به او وامگذار که زن، گل بهاری است نه پهلوانی سخت کوش. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰)

درواقع یکی از احکام بدیهی عقل این است که باید مشاغل برمبنای قابلیت به افراد سپرده شود و هر کس برای هر کاری که قابلیتش بیشتر باشد برای تصدی آن شایسته تر است. بعضی از شغل ها در عین اینکه برای بانوان جایز است، ولی متناسب نیست و طبیعت زنانه را دستخوش تغییر می کند. از این رو مسئولان آموزش عالی کشور باید توجه نمایند که ایجاد رشته های دانشگاهی برای دختران که هیچ گونه سازگاری با روحیه زنانگی آنان ندارد، باتوصیه های دینی در این زمینه مغایرت دارد.

۲. حجاب و عفاف و عدم اختلاط

رعایت حجاب و پوشش مخصوص برای زنان از ضروریات اسلام است. «یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی آن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً» (ای پیامبر، به همسران و دختران و زنهای مؤمنان بگوروسری ها و چادرهای خود را بر سر خویش بیفکنند، این کار نزدیک تر است به آن که (حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند» (نور: ۳۱؛ احزاب: ۵۳-۵۹). افزون بر مراعات حجاب، هنگام حضور در اجتماع لازم است مراتب عفاف در نگاه، گفتار و رفتار نیز رعایت شود «و قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن...» «و به زنان باایمان بگو چشمان خود را از نامحرم فرو بندند...» «... فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً» «پس با گفتارتان ناز و عشوه مرزید تا کسی که در دل او مرض است در شما طمع ورزد و گفتاری نیکو و دور از تحریک بگوید» (نور: ۳۱؛ احزاب: ۳۵-۳۰). و زنان از اختلاط و برخورد با مردان نامحرم

بپرهیزند: «أماستحيون ولا تغارون نساؤكم يخرجن إلى الأسواق ويزاحمن العلوچ» به ویژه از مکانهای خلوت با حضور مرد بیگانه بپرهیزند (وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۷۴). بنابراین مشاغلی که سبب از بین رفتن حجاب یا عفاف باشد و یا موجب اختلاط بانامحرمان شود، از دیدگاه اسلام پذیرفتنی نیست. تعابیر «قالتا لنسقی حتی یصدر الوعاء» (قصص: ۲۳) و «فجاءته إحداهما تمشی علی استحیاء» (قصص: ۲۵) در داستان حضرت شعیب (ع) و ملاقات دختران شعیب با حضرت موسی (ع) نیز با ظرافت، برپرهیز از اختلاط با مردان و رعایت عفاف در رفتار تأکید می کند.

اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود ولی دنیای کنونی حجاب را از زن می گیرد تا در قالب بازیچه به بازار بیاید و غریزه را تأمین کند و چنین زنی دیگر معلم عاطفه نیست. او فرمان شهوت می دهد، نه گذشت. از این رو اسلام اصرار دارد که زن به جامعه بیاید ولی با حجاب تا درس عفت و عاطفه دهد، نه آموزش شهوت و غریزه (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۹) اسلام در روابط زن و مرد نامحرم بر حفظ حریم تأکید نموده و زنان را به حجاب و عفاف امر کرده است. حضرت علی (ع) در سخنانی خطاب به مردم عراق فرمود: «خبردار شده ام که زنان شما در راه با مردان تنگاتنگ رفت و آمد می کنند، آیا حیا نمی کنید؟» (کلینی، ۱۳۷۶؛ ۵/۵۳۶). اسلام با اختلاط مردان و زنان که زمینه ساز فساد اخلاقی و به خطرات دادن طهارت اجتماعی است بسیار مخالف است. بر اساس تعالیم اسلامی زنان باید در محیط شغلی در روابط با مردان از هر نوع حضوری که جاذبه جنسی داشته باشد بپرهیزند. در رویکرد اسلامی زن می تواند کار کند بدان شرط که عفت او به خطر نیفتد، دامنش آلوده نگردد و زمینه ناپاکی او فراهم نشود. امام خمینی در این باره می فرماید:

در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد: حق تحصیل، حق کار، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن؛ در تمام جهاتی که مرد حق دارد زن هم حق دارد لیکن هم در مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام هست و هم در زن... اسلام خواسته است که زن و مرد، حقیقت انسانی اشان محفوظ باشد. اسلام خواسته است زن ملعبه دست مرد نباشد (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۹). محدودیت هایی از این باب برای حفظ سلامت روحی و معنوی زن است که سلامت زن و در نتیجه سلامت کل جامعه را در پی دارد و عدم مراعات این حدود نه تنها سلامت معنوی زنان، که سلامت معنوی کل جامعه را تهدید می کند.

۳. تعارض نداشتن شغل زن با الگوی مادری

اسلام برای فرزندان حقوقی را در نظر گرفته و والدین خصوصاً مادران نسبت به رعایت این حقوق مسئول دانسته است. از این رو مادر در تربیت فرزندان نقش پررنگ تری داشته و مربی است بنابراین نقش اصلی او مادری و همسری است. «مادری در زنان ضرورتی حیاتی برای جسم و بدن زن است و هم چنین ثابت شده است فرزندان که در دامن مادر تربیت نشوند، ناقص اند، اعتماد به نفس ندارند و از کارایی لازم برای جامعه بشری برخوردار نیستند» (حکیمی، ۱۳۸۱، ص ۹). در اصل ششم اعلامیه جهانی حقوق کودک (مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹) آمده است: «کودک جهت پرورش کامل و متعالی شخصیت اش نیاز به محبت دارد و باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود در فضایی پر محبت پرورش یابد. کودک خردسال را به جز در موارد استثنایی نباید از مادر جدا کرد». از این رو هم قوانین پذیرفته شده بین المللی و هم آموزه های دینی، والدین را نسبت به وظایفشان در قبال فرزندان هشدار می

دهند. به خصوص مادران که دوران طولانی تری را از انعقاد نطفه تا نوجوانی و پس از آن با فرزندان به سر می برند. بنابراین در آموزشهایی که برای زنان در نظر گرفته می شود باید به عظمت نقش مادری توجه ژرفی داشته باشند و این نقش اصیل را به بهانه نقش های اجتماعی زودگذر در حاشیه قرار نداده و فدای اهداف خود خواهانه نکنند.

الکسیس کارل در کتاب خود می گوید: «... دختران جوان برای آن که مادران لایقی برای پرورش فرزندان شریفی گردند، باید تعلیمات عالی بگیرند، نه به خاطر آن که دکتر یا قاضی یا استاد شوند» (کارل، ۱۳۵۴، ص ۱۰۳، ۳۱۴)

در نتیجه اشتغال مادر و عدم رسیدگی درست به امور فرزند صدمات جبران ناپذیری را متوجه فرزندان نموده و در بسیاری از موارد آنها را از آغوش پر مهر مادر محروم می کند. ولی در عین حال با توجه به این که برخی مشاغل برای جامعه نیاز ضروری است و برخی از زنان نیز به دلیل شرایط خاص خانواده نیازمند کار هستند، باید تمهیداتی اندیشیده شود تا کمترین آسیب متوجه فرزندان گردد.

۴. تعارض نداشتن شغل زن با حقوق همسر

بدیهی است این معیار، ویژه زنان متأهل است و در مورد دختران مجرد یا زنان بیوه مطرح نمی شود. ریاست شوهر بر خانواده، لزوم تمکین جنسی زن در مقابل مرد، اطاعت از شوهر و عدم خروج از منزل بدون اجازه همسر از حقوق شوهر است. در روایت داریم: «جهاد المرأة حسن التبعل» همسر داری نیکو جهاد زنان است. (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۹). از این رو اشتغال زن در خارج از خانه و حتی در داخل خانه نباید منافاتی با این حقوق داشته باشد.

«الرجال قوامون على النساء... فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله...» مردان سرپرست زنان اند؛ به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند. پس زنان درستکار

فرمانبردارندوبه پاس آنچه خدا برای آنان حفظ کرده، اسرار شوهران خود را حفظ میکنند (نساء، ۳۴)

در حدیثی صحیح، امام باقر (ع) درباره حقوق شوهر بر زن می فرماید: زنی نزد رسول اکرم (ص) و پرسید: ای رسول خدا حق مرد بر همسرش چیست؟ این که زن از او اطاعت کند و نافرمانی او نکند و از خانه او بدون اجازه اش صدقه ندهد و بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد و او را از خود منع نکند اگر چه بر پشت شتری سوار باشد و از خانوادهاش بدون اجازه او خارج نشود و اگر بدون اذن او خارج شود، فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت او را لعنت می کنند تا به خانه اش برگردد (وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۲). علاوه بر روایات طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود زن باشد منع کند». تشخیص مصالح خانوادگی با عرف است و در موارد اختلاف باید با تأیید دادگاه باشد. با توجه به آنکه آرامش بخشی از اهداف مهم ازدواج در دیدگاه اسلام است: «من آیات خلق لکم...» (روم، ۲۱). می توان یکی از حقوق شوهر یا خانواده را مغایرت نداشتن شغل زن با آرامش خانواده دانست. (هر چند آرامش بخشی، حق یا تکلیف فقهی نیست، ولی بر اساس فلسفه ازدواج در اسلام، باید الگوی مطلوب در خانواده بانگاه اجتماعی، این تکلیف بر زن یا مرد باشد).

۷. مبانی نظری و اصول فمینیسم

فمینیسم به عنوان یک مکتب فکری بشری که ریشه در بنیان های فکری و فلسفی عصر روشنفکری دارد، مبتنی بر مبانی متعددی همچون اومانیسم، سکولاریسم، نسبیت گرایی اخلاقی، فرد گرایی، لیبرالیسم و برابری است. (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۳۵)

با وجود اثرگذاری هر یک از این مبانی بر نظام راهکارهای برآمده از مکتب فمینیسم، دو اصل «فردگرایی» و «برابری و تساوی مطلق زن و مرد» به معنای رد هرگونه تفاوت تکوینی میان زن و مرد، در کنار هدف غایی این مکتب مبنی بر «کسب برابری مطلق میان زن و مرد» روح کلی حاکم بر مکتب فکری فمینیسم را شکل می‌دهند. (همان، ص ۶۷)

از آنجا که اولین جریان فمینیستی در بستر لیبرالیسم شکل گرفت، شعار برابری به تبع آموزه‌های لیبرالی، مورد توجه فمینیستها واقع شد و مبالغه نیست اگر بگوییم محوری‌ترین و چالش برانگیزترین آموزه فمینیسم، که از سویی تأثیرگذارترین آموزه فمینیستی در عرصه عمل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز محسوب می‌شود، آموزه «برابری» است. (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۶۵)

فمینیسم با تکیه بر اصل برابری زن و مرد، و به داعیه دفاع از حقوق زن در همه عرصه‌های اقتصادی با زمینه‌ها و جریاناتی که سبب نابرابری در مشاغل، رده بندی شغلی، حقوق نابرابر، و هر نوع تبعیض کاری می‌شود مبارزه کند و تفاوت‌های جنسی و فیزیولوژی، و نوع علایق و سلیق و توانمندی مردانه و زنان را نادیده می‌گیرد. اصول کلی که می‌توان از میان آراء فمینیستها به دست آورد، حاوی مطالبی به شرح زیر است :

۱. اصالت دادن به انسانیت افراد بدون در نظر گرفتن جنسیت آنها؛
۲. اعطای استقلال مالی و عملی به زنان و رها کردن آنها از قید وابستگی و نظارت مردان؛
۳. مبارزه با عقیده ناقص بودن زنان در زمینه‌های مختلف؛
۴. ارائه بینش جدید از علوم و مسائل جامعه بر اساس تفکر فمینیستی و زنانه؛

۵. برابری زن و مرد در نظریه و عمل؛ (پیام زن، فمینیسم تکرار تجربه های ناموفق، ش ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۳۸)
- زنان فمینیسم می کوشند تا با اتکا به این اصول، نظام پدرسالاری و حکومت مردانه را از بین برده، دیدگاه جدیدی بر پایه تفکر زن مدارانه (در بعد فمینیسم تندرو) و یا بی طرف (در دیدگاه محافظه کارانه تر فمینیسم) ارائه دهند و دنیای نوینی با ارزشها و منافع عادلانه تر بنا نهند (میشل آندره، جنبش اجتماعی زنان)
- شعائری که زیربنای این اصول را تشکیل می دهند عبارتند از:
۱. نفی تکفیک نقش بین زنان و مردان؛
 ۲. جلوگیری از خشونت مردان ضد زنان؛
 ۳. جلوگیری از روابط تولیدمثلی از روابطی که فقط به منظور کسب لذات جنسی صورت می گیرد؛
 ۴. مجاز دانستن زنان برای تصمیم گیری درباره جلوگیری از حاملگی و سقط جنین؛
 ۵. به رسمیت شناختن خانواده های تک والدینی و مادر مجرد؛
 ۶. دفاع از حقوق کودکان نامشروع و برابر دانستن آنان با کودکان مشروع؛
 ۷. آزاد بودن زنان برای برقراری روابط آزاد جنسی همانند مردان؛
 ۸. محق بودن زنان در برخورداری از هویتی مستقل از هویت شوهر و پدر؛
 ۹. ایجاد جهان دوجنسی و حذف صفات زنان. (همان)
- تا پیش از ورود زنان به قلمرو علم و مجاز دانستن آنها برای تحصیل در سطوح عالی، درخواست زنان برای دستیابی به حقوق مساوی با مردان فقط در ابعاد

مدنی و سیاسی آن هم توسط زنان طبقه متوسط که از مناصب کار خود محروم شده بودند، خلاصه می شد. بعدها با فراهم شدن شرایط اشتغال در کارخانه ها برای زنان حقوق اقتصادی نیز به این حقوق اضافه شد. هم زمان با ظهور فمینیسم در ادبیات و نفوذ زنان به عرصه های مختلف علمی، مباحث فمینیسم، بعد علمی و نظری یافت و به تدریج شکل یک فلسفه سیاسی را به خود گرفت. از این رو به جای ارائه خواسته های حقوقی به چرایی وضعیت زنان به کشف این نکته پرداخت که چرا نظام جهان، نظامی دوجنسی است، نظامی که در آن مردان با برخورداری از قدرتی تام و تمام همواره زنان را تحت سلطه و سیطره خود دارند. (الیسون، فمینیسم به مثابه فلسفه سیاسی، ترجمه مردم خراسانی، جامعه سالم، ش ۲۶). واقعیت امر این است که فمینیسم در مسیر شناخت تفاوت های جنسی و فیزیولوژی و نوع علایق و سلیق و توانمندی های مردانه و زنانه دچار خطا شده است و تازمانی که باین تفکر به جهان هستی نگاه می کنند همواره در عقب ماندگی و انحطاط خواهند ماند.

۸. دیدگاه اندیشمندان در اشتغال زنان

در زمینه مشارکت اجتماعی زنان، در مجموع سه دیدگاه در جامعه ما و به بیانی دیگر در سراسر دنیا حاکم است :

دیدگاه سنتی: این دیدگاه که اصولاً زن را برای خانه می خواهد، با تأکید بر تفاوت های بیولوژیک بین زن و مرد بر نوعی تقسیم کار سنتی بین زنان و مردان پای می فشارد، و بر اساس چنین دیدگاهی، زنان در فعالیتهای حوزه عمومی (حوزه خارج از خانه) سهمی نخواهند داشت. ابوت و والاس (۱۹۸۹) نشان دادند که اعضای دولت خانم تاچر - که دولتی دست راستی و محافظه کار بود - کوشیدند با سخنرانی در رسانه های همگانی، ایدئولوژی را تقویت کنند که زنان متأهل را از لحاظ اقتصادی وابسته به خانواده فرض می کند... در هیئت دولت

نیز این بحث مطرح بود که مادران بی مبالات و مادرانی که کار می کنند، علت بسیاری از مشکلات اند. (ابوت، پاملا و والاس. کلو، درآمدی بر جامعه شناسی نگرشهای فمینیستی، ترجمه مریم و حمید احمدی، تهران: انتشارات دنیای مادر، چارگ، اسفند ۱۳۷۶، ص ۲۱۶)

۱- دیدگاه روشنفکران و گروههای رادیکال: این دیدگاه که توسط روشنفکران و گروههای تندرو مطرح می شود در نقطه مقابل دیدگاه اول قرار دارد و خواهان حضور بدون قید و شرط زنان در تمام سطوح اجتماعی، سیاسی و حکومتی است. این دیدگاه در کشور ما حتی با تغییر کلمه «رجل» به عنوان کلمه ای بدون با جنسیتی، آن را همانند کلمه انگلیسی Man می داند که علاوه بر معنای «مرد» به معنای «بشر» و «انسان» نیز هست. لذا نتیجه می گیرند که فعالیت زنان در سطوح عالی حکومت نیز به لحاظ قانونی بلامانع است.

۲- دیدگاه معتدل: این دیدگاه با رد دو دیدگاه قبلی آنها را گرفتار افراط و تفریط می داند و آن را با موازین شرع و نیز فضای فعلی جامعه ناسازگار تلقی می کند. این دیدگاه با آن که خواهان مشارکت فعالانه زنان در زمینه های مختلف اجتماعی-سیاسی است در برخی از موارد، محدودیتهایی را نیز بر آن اعمال میکند. (مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷ و ۲۲۸) وازمیان این سه دیدگاه مطرح شده تنها دیدگاه سوم می باشد که بیشترین هماهنگی و سنخیت را با آرای اسلامی و چارچوبهای اسلام دارا می باشد.

۹. دیدگاه موافقان و مخالفان اشتغال زنان در اسلام

اسلام اشتغال زنان راحق آنان می داند شاغل بودن زنان در اسلام از لحاظ فقه خاص تا زمانی که منع خاصی وارد نشده باشد اشکالی ندارد ولی از لحاظ فقه عام

(فقه درکنار اخلاق و اعتقادات) باید درکنار پیامدها و لوازم آن مورد بررسی قرار گیرد. کتاب، سنت و سیره رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) گویای آن است که زنان می توانند عهده دار بعضی از مشاغل و کارها گردند. از این رو نگرانی های احتمالی برای به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی زنان، نباید موجب صدور حکم مطلق اشتغال زنان باشد. حرمت اشتغال زنان - با احراز شرایط حرمت - حداکثر می تواند از باب طریقی لحاظ شود. موضوعی (حکیم پور، ۲۱۴، ۱۳۸۴). از آنجا که این مسأله باعث اختلاف نظر میان برخی فقهای امامیه شده، برخی موافق اشتغال و برخی مخالف آن بوده اند و هر یک دلایلی را برای نظر خود مطرح می کنند که در ادامه به بررسی ادله هر گروه پرداخته شده است.

۱۰. اشتغال زنان از دید گاه مخالفان

برخی از دانشمندان اسلامی با اشتغال زنان در بیرون از خانه مخالفت کرده و آن را ممنوع دانسته اند. از نظر این گروه در منابع دینی اسلام، بر ماندن و کار کردن زن در خانه تأکید شده است. پس لازمه کار در خانه، محرومیت این قشر از اشتغال است. این گروه برای اثبات ادعای خود به اموری استناد کرده اند.

قرآن کریم

این گروه به آیات زیر از قرآن کریم برای ادعای خود استدلال می کنند:

خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می فرماید:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى

در خانه هایتان قرار گیرید و زینت خود را به مردان بیگانه ظاهر نسازید مثل جاهلیت پیشین. این آیه از ظاهر ساختن زینت نهی می کند. اشتغال زن در بیرون از منزل موجب ظاهر شدن زینت زنان می شود از این رو اشتغال در بیرون از منزل نهی شده است. در سوره احزاب آیه ۵۳ نیز آمده است:

وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

هنگامی که از همسران پیامبر چیزی خواستید ، از پشت حجاب و حایل از ایشان بخواهید که این کار برای دل های شما و دل های ایشان پاکیزه تر است.

این آیه نیز دلالت دارد بر این که زنان در خانه باشند و بیرون از خانه رفت و آمد نکنند.

روایات

دلیل دیگر قائلین به عدم جواز اشتغال زنان ، روایاتی است که بطور مستقیم از اشتغال و سرپرستی زنان نهی کرده است . برخی از این آیات و روایات عبارتند از ۱- پاسخ حضرت زهرا (س) به پیامبر اکرم (ص) که پرسیدند: «کدام لحظه زن به خدا نزدیک تر است؟» و پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «لحظه ای که زن در پستوی خانه می ماند و به شوهرداری و تربیت فرزندان می پردازد» (مجلسی ، ج ۴۳ ، ۹۴/۹۳)

۲- از امام صادق (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) کارهای داخل منزل به حضرت فاطمه (س) و کارهای بیرون را به حضرت علی (ع) سپرد. حضرت زهرا (س) بعد از این تقسیم بندی فرمود :

« فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السَّرْوْرِ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَائِي رَسُولُ اللَّهِ تَحْمَلُ رِقَابِ الرَّجَالِ » «هیچ کس جز خدا خبر ندارد که من چقدر از این که پیامبر مرا از اختلاط و سر و کار داشتن با مردان معاف کردند، خوشحال شدم.» (دستی ، ۱۳۷۲ ، ۱۶۸)

۳- حضرت فاطمه (س) فرمودند: «خَيْرُ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ» «بهترین چیز برای زنان آن است که مردی را نبینند و مردی هم آنان را نبیند» (مجلسی، ۱۰۱، ۳۶)

۴- روایاتی که بیان می کنند نماز زن در مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه فضیلت بسیاری دارد با وجود تأکید زیاد بر رفتن به مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه و ثواب فراوان آن، ولی حضور زن در این جماعات به دستور دین نهی شده است. این مطلب به خوبی نگرش دین نسبت به حضور ن در اجتماع را تبیین می کند و واضح است که اشتغال زن در خارج از خانه مهم تر از مسجد رفتن و اقامه نماز جماعت و جمعه نیست مگر در موارد اضطرار که حرمت آن برداشته شود. همان طور که در بقیه محرمات نیز چنین می باشد.

علاوه بر آیات و روایات متعدد که کار زن در خانه را مطلوب شمرده است، فقهای بزرگی چون صاحب عروه، برحسب زن در خانه فتوا داده اند: «یستحب حبس المراه فی البیت فلا تخرج الا اضروه و لا یدخل علیه احد من الرجال» حبس زن در خانه مستحب است، پس زن به بیرون خانه نرود مگر در وقت ضرورت و مرد اجنبی و بیگانه بر او وارد نشود (طباطبایی یزدی، ۱۳۶۶، ۴۸۳/۵)

لازمه این ادله آن است که زن شاغل نباشد وگرنه این ادله دلالت مستقیم بر عدم اشتغال زنان ندارند. علاوه بر این درخانه ماندن به معنای بیکار بودن نیست، بلکه ترتبیت فرزند، رسیدگی به امور منزل و ... چنان زمان بر است که در عمل در صورتی که یک زن بخواهد به نحو احسن به امور برسد باید در منزل بماند.

۱۱. ادله موافقان اشتغال زنان:

در برابر دیدگاه قبل، موافقان افزون بر پاسخگویی به دلایل مخالفان به بیان جواز اشتغال زن در بیرون از خانه پرداخته اند که در ذیل به آن پرداخته می شود.

جواب به ادله مخالفان

در پاسخ به آیات ۳۳ و ۳۵ سوره احزاب که مورد استناد مخالفان است، موافقان می گویند: آیات مذکور اولاً، مربوط به زنان پیامبر است و نمیتوان حکم آن را به سایر سزنان سرایت داد. ثانیاً، ربطی به اشتغال ندارد.

همچنین در پاسخ به استناد روایاتی که از فاطمه زهرا نقل شده، معتقدند: اینها دلالت میکنند که در صورت وجود کار در خانه و غیرخانه، زن کار در خانه را ترجیح دهد. در خصوص روایاتی که میفرمودند مردی، زن را نبیند...؛ این لزوماً بر ماندن در خانه و کار در خانه دلالت نمیکند؛ چون ممکن است زنی بیرون از خانه کار کند (شاغل) ولی سدر محل کار او، هیچ مردی نباشد؛ مثلاً در بیمارستانی که همه پرسنل و ارباب رجوع آن خانمند، پس این ادله بر عدم اشتغال دلالتی ندارد.

ادله موافقان بر اشتغال

حضور همه، چه زن و چه مرد، در صحنه اجتماع یک ضرورت است (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۳۲۴). اگر انسان موفق نشد در یک مسئله اجتماعی حضور پیدا کند از فیضی بی بهره میماند سکه جبران آن فقط با استغفار رسول الله الاعظم ترمیم میشود: ((إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ.)) (نور: ۶۲) دین از آن جهت که بشر را با دید جمعی مینگرد برای انسان سبه یک هویت جمعی معتقد است که با شرکت همه افراد جامعه، قابل تحقق است.

حضور زن در سیاست و مبارزه علیه ظالمان به تقریر معصومین رسیده است. ما معتقدیم سنت عبارت است از قول، فعل و تقریر معصوم. تقریر یعنی امضای معصوم. زنانی که در زمان ائمه در سیاست دخالت میکردند و بر علیه حکومتها قیام میکردند نه تنها توسط ائمه معصومین نهی نمیشدند، بلکه مورد تأیید هم قرار میگرفتند. به عنوان نمونه، کار «سوده» دختر عمار بن الاسک همدانی و دختر حرث بن عبدالمطلب بن هاشم، سبه تقریر معصوم رسیده است. اگر علم به شغلی، مختص زنان و یا منحصر در زنان باشد، در این صورت اشتغال زنان نه تنها مستحب، بلکه واجب است. مثلاً، اگر زنان مطلبی از مطالب اسلامی را بدانند ولی مردان ندانند، در این صورت تدریس و تعلیم بر زنان جواب میشود. (همان، ص ۳۸۴)

نظر مختار:

ادله مخالفان و موافقان اشتغال، معارض نیستند و قابل جمع هستند. حداکثر چیزی که از ادله مخالفان استفاده میشود این است که مشغول شدن زن در خانه، سنت است و مطلوب. آنچه از ادله موافقان استفاده میشود این است که بیرون رفتن زن از خانه و حضورش در اجتماع و اشتغالش مانعی ندارد، بلکه در مواردی هم لازم و ضروری است. بنابراین، اشتغال زنان به خودی خود امری مباح است و مستحب به این است که در صورتی که زن بین اشتغال در بیرون و کار در خانه مخیر باشد، مستحب است که کار در خانه را برگزیند و اگر مصلحت جامعه اقتضا کند که زن حتماً شاغل شود، استحباب کار در خانه از بین می‌رود، چرا که امر مستحب توان مقابله با واجب را ندارد. از سوی دیگر، اگر در جایی دلیل بر حرمت شاغل شدن زن اقامه شود، مثل قضاوت و امارت، در اینجا هم زن نباید شاغل شود و اجتهاد در مقابل نصّ معنا ندارد.

ممکن است کسی خیال کند که این روایات، مخالف اشتغال زنان در قضاوت و امارت خاص زمان رسول خدا است و امروزه پس از گذشت هزار و چهار صد سال، شرایط عوض شده و این روایات کارایی ندارد. وقتی شرایط عوض میشود، حکم هم عوض میشود. در جواب باید گفت: تغییر در شرایط اگر واقعاً موضوع را تغییر دهد، حکم هم عوض میشود. تغییر موضوع لزوماً با تغییر فیزیکی و ظاهری نیست، بلکه همین قدر که موضوعی از لحاظ بار معنایی تغییر کند این تغییر موضوع است و به تغییر حکم منجر میشود. برای مثال، تغییر حکم شطرنج به مشروط است به اینکه بار معنایی آن از «قمار» به «فعالیت» فکری تغییر یابد. ولی تغییرات و دگرگونیهای امروزی تحت تأثیر تمدن غرب و یک نوع تلقین سازی است. اگر حکم دین را منطبق با شرایط تحمیل شده از غرب تغییر دهیم. از اسلام جز اسم و از قرآن جز رسم باقی نماند. (فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، ۱۳۸۵، ش ۹)

اصل برای خانمها کار در خانه است، ولی اشتغال خانمها نیز با رعایت موازین شرعی نه تنها اشکالی ندارد، بلکه در مواردی لازم و ضروری است؛ برای مثال، در جایی که شوهر فوت کرده و زن برای امرار معاش فرزندان مجبور است در بیرون کار کند یا اگر تعداد مردان برای پستها و شغلهای موجود کافی نباشد یا اگر مرد توان اداره خانواده را نداشته باشد و مواردی نظیر آن.

۱۲. مکاتب فمینیستی و رویکرد شان به اشتغال زنان

۱. فمینیسم مارکسیستی:

به عقیده این مکتب شغل و کار فرد، پدیدآورنده ماهیت او و درک وی از خویشتن است. مارکس و انگلس که تنها جریان بشری را جنبشهای کار و کارگری می دانستند بر ضد نظام سرمایه داری مباحث مفصلی ارائه دادند. در این باره انگلس

توجه ویژه ای به مسائل زنان داشته است. وی در کتاب معروف خود «خانواده، مالکیت خصوصی و کشور» می نویسد: «زنان با مردان برابرند، و اگر چنین به نظر نمی رسد به دلیل آن است که مردان در خانواده نقش مولد دارند. هنگامی که مالکیت خصوصی به صورت تولید درآید، زنان قدرت خود را از دست می دهند. احاطه مردان بر مالکیت خصوصی و ایجاد ارزش افزوده، خانواده را به نظامی مردسالار تبدیل می کند، که در آن زن نقش برده شوهر یا پدر را خواهد داشت.» (Friedrich Engels, *The Origin of the Family, Private Property, and the State*, P.57)

اندیشه های مارکسیستی شباهتهایی با دیدگاه های سوسیالیستی در زمینه کار و اشتغال زنان دارد. آنان معتقدند آزادی کامل زنان با گسترش سوسیالیسم و ارائه خدمات دولتی به زنان برای انجام وظایف خانه داری و بچه داری میسر خواهد بود و مارکسیستها آزادی زنان را در گرو مبارزه آنان با نظام سرمایه داری می دانند، از این رو «فمینیسم مارکسیسم» با این باور شکل گرفت. (Tony Cliff, *Class Struggle and Women's Liberation*)

بر اثر القای فمینیستهای مارکسیست، نشستهای حزبی و بین المللی متعددی در کشورهای کمونیستی برگزار شد و مسائل مختلفی چون بیکاری، اشتغال زنان، دستمزد مساوی، حمایت از اتحادیه های کارگری زنان، مراقبت اجتماعی از مادران، اصلاح قوانین خانواده و ازدواج، حق بدن و سقط جنین مطرح شد. به گونه ای که فمینیستهای مارکسیست، پیچیدگی روابط نظام سرمایه داری و مقوله جنسیت را در اولویت برنامه های خود قرار دادند. میشل بارت در کتاب «ستم امروز بر زنان» خود، نظام خانواده را رمز ستمدیدی می داند. به عقیده او در تقسیم نامتوازن کار، کار بی مزد خانگی نصیب زن، و کسب درآمد و اعتبار

اجتماعی نصیب مرد می شود که این وضع از ویژگیهای نظام سرمایه داری است .
(Michelle Barret, Women's Oppression Today, P. 141)

۲. فمینیسم سوسیال

سوسیال فمینیستها نیز همانند مارکسیستها، نظام سرمایه داری را عامل سوق دادن زنان به سوی دست مزد کمتر و حضور در تولید و کار نابرابر دانسته اند، که نتیجه آن روی آوردن آنان به ازدواج برای تأمین زندگی و پذیرش نقشهای مادری و همسری است که آنها را وابسته و محدود می سازد، و غیرمستقیم، با تمایز حیطه های خصوصی و عمومی به استواری نظام مردسالاری می انجامد. گر چه به ظاهر فمینیسم مارکسیستی و سوسیالیستی به اصالت جامعه اعتقاد دارند، اما تمایز این دو مکتب در نوع نگرش آنها به جامعه است که سوسیالها قائل به تفاوت زنان و مردان در اجتماع و گاه برتری جایگاه زنان در اجتماع هستند. (Kathin Perutz, Marriage is Hell, P.74)

اندیشه سوسیالیستی معتقد است دو سیستم در هم تنیده وجود دارد که جنسیت و اقتصاد را می سازد. چودورو و رودیک از نظر پردازان حوزه زنان و اشتغال هستند. (آندره میشل، جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، ص ۱۳۴) از نظر این دو نظریه پرداز، مهارتها و محافظه کاری زنان مهمترین شاخص جنسیتی آنان است که وجه تمایز زنان در جامعه بوده و می تواند زمینه ساز صلح و آرامش در بازار کار، سیاست و جامعه جهانی باشد.

(Nancy Chodorow, The Reproduction of Mothering

بر پایه اندیشه فمینیسم سوسیالیسم، زنان رابطه دوگانه با اقتصاد دارند، هم مصرف کننده هستند و هم مورد مصرف قرار می گیرند. مصرف کننده کالاهایی که خریداری می شود آن هم نه با پول خود که با پول دیگری و این مسئله قدرت

اندکی به وی می بخشد و از سوی دیگر به منزله یک کالا مورد مصرف قرار می گیرد).

Barbara Ehrenreich, what is Socialist Feminism, Win (Magazin)

در این دیدگاه خروج زنان و اشتغال به مثابه نجات از سیستم سلطه مدار مردان و نفی قدرت آنان به واسطه داشتن پول و سرمایه است. بنابراین مسئله مالکیت گروهی نیز در این نحله همچون مارکسیست و کمونیسم مد نظر قرار می گیرد و مسائلی همچون نگهداری کودکان و آموزش آنها از وظایف جامعه تلقی شده، و خانواده و نقش مادری مفهوم خود را از دست می دهد. و مراکز نگهداری شبانه روزی و مهدکودکها جایگزین محیط امن خانگی شده تا بدین ترتیب زنان بدون قید و بندهای خانوادگی و عاطفی، وارد بازارهای کار شده و دغدغه هایی از این دست را نوعی عقب ماندگی تلقی می کنند .

۳. فمینیسم رادیکال و لیبرال

این دو شاخه فمینیسم از تأثیرگذارترین نظریات بر روند شکل گیری نظام فکری و ارزشی زنان از اواخر دهه شصت بوده اند. فمینیستهای تندرو با فرض بی نیازی زنان از مردان به ترسیم فضای جدیدی می پردازند که با وعده هایی چون رفع سلطه مردان و رفع خشونت علیه زنان همراه است. رادیکالها دسته بندی اجتماع به گروههای خانواده، مردان، دولت و مراکز اقتصادی را مفاهیمی انتزاعی شمرده و آنها را دستاورد رویکردهای جنسیتی می دانند. کیت میلر در کتاب معروف سیاست جنسی خود می نویسد: «زن به دلیل حمایتهای مالی و قرار گرفتن در محیط امن خانواده مجبور به ارضای جنسی مرد و اطاعت از وی می شود. بنابراین به یک انقلاب جنسی نیازمندیم که فروپاشی تسلط مردان را در پی داشته باشد .

(Kate Millet, Sexual Politics, P.77)

به نظر می‌رسد آماج تهاجم اندیشه‌های فمنیستهای رادیکال و لیبرال، عدم استقلال مالی زنان است، به گونه‌ای که وظایف همسری و مادری در حکم متغیرهای وابسته برای این پدیده بودند. در این دیدگاه هیچ نقش جنسیتی‌ای به رسمیت شناخته نمی‌شود و همگی زاینده اطاعت و تبعیت مالی زن از مردم به شمار می‌آید. هم‌زمان با ارائه این دیدگاهها، جریان‌های موج دوم فمنیستی، هجوم زنان برای ورود به بازار کار را شدت بخشید و اصالت خانواده را به شدت تحت تأثیر قرار داد. زنان برای داشتن شغل و کسب درآمد کوشیدند تا موانع را از سر راه خود بردارند و نخستین تحرکات در این زمینه معطوف به نقشهای مادری و همسری گردید.

4. سرمایه داری و فمینیسم

گروههای فمنیستی گرچه در آغاز نظام سرمایه داری را ترویج نوعی برده داری نوین و متناقض با آزادی و رهایی زنان می‌دانستند، اما با کهنه شدن افکار مارکسیستی و سوسیالیستی و اثبات عدم کارایی آنها در گذر زمان، به ابزاری برای ایجاد بازارهای مصرف جدید و تولید نیازهای متفاوت برای اجتماع به ویژه زنان تبدیل شدند. (لیلا سادات زعفرانچی، اشتغال زنان، ص ۱۳۹) مارگارت مید (Margaret Mead) در نوشته‌های خود در سال ۱۹۴۸، جامعه غرب به خصوص آمریکا سرا جامعه‌ای وصف کرد که برای موقعیت مردان ارزشی بیشتر قائل است. زنان در برابر این نقش مردان احساس حقارت می‌کردند و نمی‌توانستند شخصیت مستقلی برای خود قائل شوند. بنابر اظهارات وی این مسئله از دو جنبه «ارزش بیشتر نقش مردان» و «فروارزشی نقش مهم و خلاق زنان» در جایگاه مادر و همسر بوده است. (Margaret Mead, Male and Female, ۲۱P.)

فمینیست های معاصر با تأکید بر این موضوع که جامعه توفیقات مردان را در بازار کار، بیش از مشارکت زنان در جایگاه همسر و مادر در خانه ارج می نهد، جنبشی را آغاز کردند، اما متأسفانه آنان در پذیرش و نوع این ارزشگذاری به خطا رفتند و با پذیرش نقش سنتی فرودستی زنان در جایگاه همسر و مادر، آنان را برای ورود به بازار کار برای کسب موقعیت اجتماعی مانند موقعیت مردان ترغیب کردند. لیکن اضمحلال نهاد خانواده در فضایی صورت گرفت که جایگاه مشخص و معتبری برای حضور اقتصادی زنان در کار بازاری ترسیم نشده بود. پس از جنگ جهانی دوم و رشد صنایع سنگین، زنان به مشاغلی از این دست روی آوردند و حضور آنان به صورت گروههای سازمانی و نظام مند درآمد با ایجاد «سازمان ملل متحد» در این دوران و تأسیس نهادهای بین المللی و آژانس های تحت نظارت «سازمان ملل»، وضعیت اشتغال زنان وارد مرحله تازه ای شد. زیرا این تساویهای بین المللی با شعار تساوی جنسیتی در پی برخورد با مسائلی از این دست در سطوح سیاست، فرهنگ و اقتصاد برآمدند تا با ساماندهی به وضعیت زنان، نظامهای جدیدی را در سراسر دنیا به وجود آورند و با سیاستگذاری های کلان، موازنه های سیاسی و اقتصادی را به گونه ای هدفمند و قانونمند در جهت اهداف اصلی خود اداره کنند. (مریم فرهمند، بررسی وضعیت اشتغال زنان در نظام بین المللی، ص ۱۴۰) اگر چه دستاوردهای فمینیسم گاه به ضرر زنان و گاه به ضرر مردان و گاه به ضرر هر دو تمام شده است اما در هر حال اهداف و منافع نظام سرمایه داری را دنبال می کند.

13. نظریه پردازان فمینیستی و اشتغال زنان

در این قسمت اندیشه تنی چند از فمینیست ها مورد بررسی قرار می گیرد. سیمون دوبوار از سردمداران موج دوم معتقد است چون کار زن در خانه، چیزی تولید نمی کند، زن خانه دار فرودست، درجه دوم و طفیلی است. وی نتیجه می

گیرد به نفع زن و مرد است وضعیت به گونه ای تغییر یابد که ازدواج، دیگر به منزله یک شغل برای زن به شمار نیاید. راه آن نیز روانه کردن زنا به بازار کار است. در این نگاه او، زن نمی تواند در خانه وجود خود را پی ریزی کند، و ابزارهای لازم را برای بروز استعدادهایش را ندارد، در نتیجه فردیت او به رسمیت شناخته نمی شود. دوبار بر این باور است زنان خانه دار به رغم وضعیت تأسف برانگیزی که گرفتار آن است، ممکن است سدی بر سر راه آزادی زنان دیگر باشد. (گراگلیا، ۱۳۸۵، ص ۶۷)

فریدان، نظریه پرداز فمینیست لیبرال، زانی که به کار خانگی مشغول می شوند را قربانیان گزینه ای اشتباه می خواند و آنها را محکوم به عقب ماندگی پیوسته می داند. وی کار خانه را به طور خاص مناسب دختران کم عقل بیان می کند و نتیجه می گیرد که جامعه باید پوچ بودن نقش خانه داری را تشخیص دهد و از ترغیب دختران به شانه خالی کردن از مسئولیت بالندگی خود جلوگیری کند. (همان، ص ۶۹-۷۰)

جسی برنارد هم معتقد است زن خانه دار هیچکس نیست، و خانه داری یک کار به بن بست رسیده است که وی در آن نمی تواند پیشرفت کند. او می گوید: «خانه دار بودن زن، او را بیمار می کند و تنها داشتن یک شغل می تواند ضامن استقلال او باشد، و از طفیلی شدن در زناشویی جلوگیری کند.» (همان ص ۶۴-۷۵) گیلمن از فمنیستهای موج اول، با تأکید بر اینکه ریشه همه نابرابری ها در نقشهای مبتنی بر جنس است، می گوید تنها راه رسیدن زنان به برابری با مردان، نیل به برابری اقتصادی است. به نظر او خانه زندانی است که زن را مقید می سازد و او را مجبور می کند تا نقش مستخدم را ایفا کند. زیرا ماندن در خانه، زن را به مرد وابسته می کند و وابستگی اقتصادی او به مرد در تأمین معیشت،

همانند غل و زنجیری است که آزادی او را محدود می کند. آزادی هنگامی به دست می آید که زنان و دختران خود را از نظر مالی تأمین کنند، و علت اصلی متفاوت ساختن خوند را از میان بردارند. از دیدگاه او، کار فرآیند اصلی زیست بشر است و تا زمانی که زنان برابر با مردان وارد آن نشوند، از نظر ذهنی و بینش محدود می مانند. (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰)

14. پیامدهای مثبت و منفی اشتغال

اشتغال زنان در بیرون از منزل آثار و پیامدهایی با خود به همراه می آورد، که در مطلوب بودن یا عدم مطلوبیت آن مؤثر است و توجه به آنها برای برنامه ریزی بهتر و ارائه راهکاری برای کاستن پیامدهای منفی ضروری است. اشتغال زنان هم برخوردن هم جامعه و هم خانواده تأثیر گذار است، که به ذکر عناوینی چند از این آثار در ذیل می پردازیم:

پیامدهای مثبت

1- ارتقای پایگاه حقوقی و حفظ منزلت زن و توسعه نیروی انسانی (محتشمی، ۱۳۸۰، ص ۸۱-۸۲) ۲- بهره مندی جامعه از توان و تخصص زنان ۳- بهبود سطح فرهنگی جامعه ۴- افزایش رفاه خانواده ۵- خارج شدن از رکود و یکنواختی در زندگی و پرشدن اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب پذیری اجتماعی (داعی پور، ۱۳۷۰، ص ۶۵) ۶- افزایش سطح آگاهی اجتماعی و تجربه و برخورداری از ذهنی پویا و فعال (بختیاری، ۱۳۸۵، ص ۸۷)

پیامدهای منفی

1- کاهش حضور زن در خانه و سست شدن کانون خانواده (قدیر، ۱۳۸۰، ص ۹۶۴) ۲- کم شدن میل به فرزند داشتن (صدیق اورعی، بی تا فش ۵۱، ص ۴۰) ۳- تغییر در ویژگی زنانه (همان، ش ۵۲، ص ۱۶) ۴- تغییر در شیوه

مدیریت (خیری، ۱۳۸۵، ش ۹، ص ۱۸۱) ۵-خستگی کارمضاعف در خانه و خارج از خانه
 ۶- مشکلات عاطفی و تحصیلی فرزندان (شیخ محمد تقی، ۱۳۸۰، ص ۹۹).

۱۵. تبعات اشتغال بی رویه زنان

اشتغال بی رویه زنان، یعنی فعالیتهای آنها در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی... در ساعات معین خارج از محیط خانه به گونه ای انعطاف پذیر در کارخانه ها، اداره ها... که متناسب با ساختار روحی و روانی زنان نباشد و باعث آسیب پذیری تربیت فرزندان گردد و ساختار سلامت و نوع عملکرد خانواده را دستخوش تغییر قرار دهد. این نوع از اشتغال خانواده را با چالش های فراوانی روبرو می کند که ذیل به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. فشار مضاعف

اشتغال برای زنان، نقشی غیر از نقش اصلی زنان که مادری و همسری است، تحمیل می کند در حالی که در مردان نقش شغلی، تقویت کننده نقش اصلی است. ضرورت اشتغال زنان و «مزد برابر در برابر کار برابر» از جمله شعارهای اصلی و محوری جنبش زنان در غرب برای دست یابی به استقلال اقتصادی و رهایی از سیطره مردان بوده است. در ماده ۱۱ کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض از زنان آمده است: دُول عضو کلیه اقدامات مناسب را به عمل خواهند آورد تا هرگونه تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال از بین برود و بر اساس اصل تساوی زنان و مردان حقوق مشابه برای آنها تضمین شود (هاجری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵).

هم چنین در ماده ۲۷ اعلامیه پکن آمده است:

اکنون مرزهای تقسیم جنسیتی کار به نفع نقش های تولیدی و زادآوری تدریجاً در حال از بین رفتن است. زیرا زنان ورود به عرصه هایی از کار را که پیش

تردرسلطه مردان بود به دست گرفته اندومردان مسئولیت بیشتری در وظایف خانه به ویژه مراقبت از کودکان را آغاز کرده اند(همان:۹۲).

باید اذعان نمود که اشتغال بانوان اگر چه باهدف برابری اقتصادی واجتماعی میان زنان ومردان مطرح شد، درمقام عمل، بی عدالتی ونابرابری هایی به مراتب شدیدترادرغرب برزنان تحمیل کرد.به عبارت دیگر، اشتغال زنان نه تنها به برابری زنان ومردان کمکی نکرد، نابرابری موجودرا تعمیق بخشیدومشکلات گسترده تری رابرای آنان به بار آورد زیرا ازیک سو به تعدد نقش ها ومسئولیت های (فشارمضاعف) انجامیدوازسوی دیگر، آزار جنسی وتحقیر زنان درمحل کار را به دنبال داشت.(همان:۹۳) و درواقع این فشار مضاعفی که اشتغال بی رویه زنان درغرب وارد کرده درآموزه های اسلامی باعنوان تکلیف مالایطاق معرفی می گردد.

«چسترسون» می گوید:

«من منکرآن نیستم که زنان قبلاً مورد رفتارناشایست وحتى در معرض شکنجه قرار می گرفتند؛ ولی به عقیده من وضع آنها هیچ گاه به اندازه امروز، که فرمانروای خانه ونیز رقیب اداری مردان اند، رقت بار نبوده است. اگر تا دیروز زنان مسئولیت ونقش اصلی اشان رتق وفتق امور منزل وفرزندان بود، در جوامع مدرن عملاً هم وظایف همسری ومادری را به دوش گرفتند وهم پایه پای مردان وبرابری آنان به کار بیرون ازخانه پرداختند. به این تعدد نقش که قاعدتاً فشار مضاعفی بر جسم و روان زنان تحمیل می کند، در جامعه شناسی اصطلاحاً «فشار مضاعف» گفته میشود». (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۱۷۲).

در جوامعی که اشتغال زنان دچار افراط شده است، زنان با کمبود وقت روبرو هستند. حتی اگر زن در خارج از منزل کار کند سنگین ترین وظایف مربوط به کار منزل رابردوش دارد که باتوجه به محدود بودن توان جسمی اومی تواند اورادچارا فسر دگی، عصبانیت وبی حوصلگی نماید. در تحقیقات متعددی که در مورد

نگرش مردان به کارهمسر صورت گرفته، مشخص شده است که ازدید مرد، اگر کارزن در خارج از خانه به رسیدگی های او به مسائل خانوادگی لطمه نزند اشکال ندارد. به عبارت دیگر مردها از همسران خود می خواهند دونوع کار را همزمان بایکدیگر انجام دهند. کاری که در حیطه عمومی صورت می گیرد و به سبب آن دست مزد می گیرد و کار در حیطه خصوصی خانواده (هاجری، ۱۳۸۶، ص ۴۸). در واقع قراردادن تکلیف خارج از توان زن بدون در نظر گرفتن تواناییهای او جسم و روح اش را دچار بحران کرده و مشکلات زیادی را در زمینه های مختلف برای خانواده و فرزندان به بار می آورد.

۲. سوء استفاده ها و آزار جنسی علیه زنان شاغل

حضور و مشارکت برابر زنان در محیط های کاری بیرون از خانه و قرار گرفتن در کنار همکاران مرد، از جمله مؤلفه هایی است که همواره طرفداران دیدگاه های فمینیستی ترویج کرده اند. جوامع غربی در حرکتی هماهنگ بانادیده انگاری تفاوت های زیستی و غریزی زنان و مردان فرصت های مساوی و متعددی برای اشتغال زنان حتی در کارهایی که صرفاً مردانه هستند، مانند معدن و بنایی فراهم آوردند. اما این امر معادله را به نفع مردان و به ضرر زنان تغییر داد (هاجری، همان: ۱۰۶). قدرت برتر جسمانی و تمایلات شدید غریزی مردانه از یک سو و زیبایی وضع جسمانی زنان در مقایسه با مردان از سوی دیگر در منظر بودن آنها موجب شده تا اذیت و آزار مردان علیه زنان در محیط کار به وقوع بپیوندد. این اذیت و آزارها گاه به شکل تحقیر و توهین به زنان از طریق واگذاری کارهای حاشیه ای و پست به آنان و پرداخت حقوق و مزایای کمتر در مقایسه با مردان و گاه در قالب

آزارها و خشونت های جنسی مردان همکار و ضرب و شتم آنان صورت می گرفت. صاحبان سرمایه پس از شناخت زن و جداسازی پوشش از پیکر او، باتزئین اندام وی و تأکید و تبلیغ فراوان بر ارزشهای ظاهری او کوشیدند تا دیگر ارزش های آسمانی او فراموش شود و زن، ابزار افزایش ثروت ایشان گردد. آنها با شناخت ها جنبه های روحی و جسمی زن، وی را به کار گرفتند و مطمئن بودند که چون قدرت اعتراض و توان جسمی او کمتر از مرد است پس از استخدام، به مزد کم قانع است و شورش و اعتصاب نمی کند (غلامی، ۱۳۵، ۱۳۸۹). از طرفی چون زن بیش از مرد جذاب و تأثیر گذار است، مسئولیت مراکز و فروشگاههای بزرگ را به وی سپردند تا در جلب مشتری و فروش جنس موفق تر باشد. و آنها کم کم مهار مردان را در دست گرفتند زیرا در کشوری با چندین میلیون پسر بیکار شعار «اشتغال زنان به منظور معطل نماندن» نیروی آنان چیزی جز نیرنگ نیست. در جذب زنان برای کار نیز آنها بی پذیرفته میشوند که زیبا خوش اندام و... باشند. رفته رفته هیچ کالایی به فروش نمی رسد مگر این که یک زن معرف آنها بود. تنها مانع پیشرفت این طرح سودجویانه پوشش زن بود که دنیای زنان را از مردان متمایز می سازد. عاملی که زن را از جلوه گری در حضور بیگانه بازمی دارد و افراد هوسران را از او ناامید می سازد (همان: ۱۳۷-۱۳۶). آزار جنسی در محل کار می تواند نوعی استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت به منظور تحمیل خواست های جنسی تعریف شود. این کار ممکن است گونه های خشنی به خود بگیرد. مانند هنگامی که به یک کارمند زن گفته می شود یا به یک برخوردار جنسی رضایت دهد یا اخراج شود یا این که اگر خواهش هابر آورده نشود، نوعی مجازات جلوگیری از ترفیع برای او به دنبال خواهد داشت. تفاوت های زیستی و واقعی زنان و مردان به رغم نادیده انگاری فمینیست ها وجود دارد و موجب می شود تا زنان در غرب، قربانی تمایلات جنسی

مردان گردند. آمار روبه افزایش تجاوز، خشونت و آزار جنسی، پیامد نادیده انگاری همین واقعیت است.

۳. عدم تمایل به فرزند آوری

ارتباط میان دو متغیر اشتغال زنان و سقوط رشد جمعیت در نگاه جامعه شناسان و جمعیت شناسان به قدری بدیهی است که برای کنترل و تعدیل رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم، اشتغال بانوان را توصیه می کنند. آمارهای مربوط به کشورهای فرانسه و آمریکا نشان می دهد که تعداد کودکان زنان شاغل معمولاً نسبت به زنانی که شاغل نیستند کمتر است (هاجری، ۴۹، ۱۳۸۶). اشتغال زنان در بیرون از خانه باعث می شود تا زنان انگیزه ای برای بچه دار شدن نداشته باشند زیرا وقتی برای رسیدگی به امور کودک ندارند. درون خانواده نیز تقسیم نقش مشخص، حاکم است. زن مسئولیت کامل پخت و پز، نظافت، خرید، شست و شو و... را بر عهده دارد و کمک های مرد در حد تعمیرات جزئی یا انجام امور ساده ی منزل بر حسب تقاضای زن است. وظایف دو جانبه مادرحتی در کشورهایی که به دلیل کمبود جمعیت، امتیازاتی خاص برای آنان در نظر گرفته اند، تمایل به تولید مثل و فرزند آوری نداشته باشند. با توجه به این که بین اشتغال زنان و رشد جمعیت رابطه معکوس برقرار است کشورهای فمینیستی مغرب زمین، امروزه بر سردوراهی دشواری قرار گرفته اند: آیا بر شعار تساوی و برابری پافشاری نمایند و اشتغال بانوان را پایه پای مردان ترویج کنند و همچنان شاهد سیر نزولی جمعیت باشند یا از شعار جهانی خود (ضرورت اشتغال برابر زنان با مردان) دست بردارند و به برگشت بانوان به خانه برای تولید نسل و بهبود نرخ رشد جمعیت رضایت دهند. قرائن و شواهد نشان می دهد که برخی از این کشورها عاقلانه ترین راه را برگزیده اند و برای بقای نسل و رشد مثبت میزان جمعیت، از ضرورت برگشت بانوان به خانه سخن می

گویند (همان: ۵۱). در حالی که همان طور می دانیم وبرهنگان واضح ومبرهن است در شرع مقدس اسلام یکی از اهداف تشکیل خانواده، توالد نسل بیان شده که باعث استحکام بنیان خانواده و در بسیاری از موارد به عنوان عاملی بازدارنده از فروپاشی خانواده هاست.

۴- از بین رفتن تحکیم خانواده

برای تحکیم اساس خانواده باید به گونه ای سیاست گذاری شود که نظم خانواده پا برجایماند: زیرا اگر زن در اداره تأمین مالی خانواده احساس استقلال یا برابری با مرد داشته باشد و مرد خانه را محل آرامش و رافت و عطفیت نیابد ناخواسته روحیه تقابل، استغنا و طغیان بروز می کند و قاعده: «وجعل بینکم مودةً ورحمةً» «در بین شما دوستی و رحمت قرار داد» (روم/۲۱) به دونیروی برابر و متقابل تبدیل می شود و نه تنها عطفیت و مهر این مجموعه را به هم پیوند نمی دهد، که گاهی زمینه دافعه نیز فراهم می شود. گاهی زن وشوهر خسته از کار باز می گردند و نیازمند استراحت، مهر و پذیرایی طرف مقابل هستند. در صورتی که خستگی این نیاز را اصلاً به گوشه ای می راند. و این گونه است که اجتماع خانواده ریزش های اولیه خود را احساس می کند. زن استقلال واستغناى خود را به رخ می کشد و مرد به ناچار بیرون از خانه مشکلات خود را بر طرف می کند و این آغاز فروپاشی خانواده است که در پی آن اجتماع از هم پاشیده خواهد شد و روابط عاطفی، صله رحم، صحبت ها و... همه رخت برمی بندند و یک زندگی متحجرانه وخشک و نامأنوس گسترش یافته، مهر و عطفیت به خشونت تبدیل می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ۱۷۷). بنابراین در تنظیم روابط اجتماعی و ارائه الگوی حضور و مشارکت اجتماعی زنان باید آثار این فعالیتها در تحکیم یا تضعیف پیوندهای خانوادگی مورد مطالعه قرار گیرد و برآیند تمامی طرحها، هم جهت بارشد و پویایی خانواده باشد.

جدایی و طلاق

یکی دیگر از اثرات اجتماعی اشتغال برای خانواده‌ها فروپاشی کانون گرم خانواده است که به دنبال تغییر نقش زن در خانواده و بیکاری مرد و ناتوانی او در تأمین هزینه زندگی ایجاد می‌شود. بسیاری از محققان مشاهده کرده‌اند که گرچه در حال حاضر زنان بیشتری دارای اشتغال هستند بسیاری از مردان از ایشان انتظار دارند به تنهایی مسئولیت بیشتر کارها از جمله خانه‌داری و بچه‌داری را برعهده داشته باشند. تنشی که این درخواست‌های مختلف در محیط خانواده ایجاد میکند اغلب میتواند هر یک از دو طرف را به فکر طلاق بیندازد (کوئن، ۱۳۷۰، ۱۳۳). درحقیقت تأکید افراطی بر حقوق فردی، اشتغال بانوان و استقلال اقتصادی آنان سه اثر مخرب و مهم بر نهاد خانواده گذاشته است. اولاً ریسمان نیازمندی متقابل اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر را به یکدیگر سست کرده است ثانیاً به سبب عدم رسیدگی مطلوب و کامل بانوان به امور خانه و خانه‌داری، اختلافات خانوادگی و ناسازگاریها را افزایش داده است. ثالثاً قدرت چانه‌زنی زنان را برای طلاق، جدایی و رهایی از رنج زندگی مشترک افزوده است. فمینیسم معاصر به زن القا می‌کند که نسبت به شوهرانشان بی‌اعتماد باشند و از ترس مضیقه مالی، از ترک مشاغل خود اکراه داشته باشند فریدان می‌گوید: «جنبش زنان دغدغه آن را داشت که برابری حقوق و فرصت‌ها باید به معنای برابری حقوق و فرصت‌ها باید به معنای برابری مسئولیت‌ها باشد و در نتیجه نفقه از بین رفت» و در ادامه می‌گوید: «ما، دامی را که در حال گرفتار شدن در آن بودیم را تشخیص نمی‌دادیم. هنگامی که گفتیم «نفقه، نه» به دام افتادیم. زیرا زنان خانه‌داری که طلاق می‌گرفتند گرفتار تنگنای وحشتناکی می‌شدند». (گراگلیا، ۱۳۸۵، ۱۲۸) سرانجام این که افزایش استقلال اقتصادی زنان و هم‌زمان با آن، اعتماد فزاینده ایشان به حقوق خویش به آنها اجازه داده است که در صورت عدم رضایت از زناشویی به طلاق روی آورند. در برخی

از کشورها، بیشتر طلاق ها رازنان تقاضا کرده اند (مور، ۱۳۷۶، ۷۱). در حقیقت زن در محل کار خود به دلیل خستگی و سرو کله زدن با افراد گوناگون در طول روز در رابطه زناشویی و در ارتباط جنسی و کلامی، ضعیف شده، و به مشکلات مختلف جنسی و ارتباطی و حتی روحی مبتلا می شود. در نتیجه، تفاهم زن و مرد به تخصم مبدل شده و طلاق و جدایی پیامد آن خواهد بود.

نتیجه گیری

باتوجه به مطالب مطرح شده درباره ی اشتغال زنان می توان نتیجه گرفت که انسان در هر وضع و موقعیت و صرف نظراز جنس، نژاد، رنگ و مانند آنها از یک سلسله حقوق برخوردار است. یکی از این حقوق، حق (اشتغال و کار) است. بخشی از ماده ۲۳ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، در این مورد مقرر داشته است که هر کسی حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب نماید. نیمی از افراد جامعه، زنان هستند که می توانند در عرصه های مختلف، مشارکت فعال داشته باشند. واقعیت این است که ظهور فمینیسم و رواج آن، نشانه ی بحران در تفکر معاصر غربی است که درستیز با واقعیات طبیعی و داده های علمی، قرار دارد. فمینیسم در تمامی شاخه ها و جلوه هایش، هدف و نتیجه ای جز ایجاد اختلاف و ناسازگاری بین دو جنس و تشدید بحران عدم تفاهم انسان ها، ندارد. هدف آن برابری مرد و زن در برابر امکانات اشتغال و دست خرد ناشی از کار و دفاع از حقوق زن در دیگر زمینه ها بود. اما در اسلام، زن و مرد از حقوق برابر اما غیر مشابه برخوردارند نقش مادری و تربیت فرزندان از ارزش والایی برخوردار است. ولی در عین حال، حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی با رعایت موازین شرعی و اخلاقی و تناسب شغل، مطلوب، بلکه گاهی اوقات واجب بوده و فقها و حقوق دانهای ما نیز، باید با روشن بینی و در نظر گرفتن عنصر زمان و مکان البته با رعایت معیارها و اصول صحیح ضابطه ضد استنباط در فهم متون دینی و با استمداد از حقایق و واقعیات روز،

تلاش بیشتری نموده و در تضمین حقوق مشروع اجتماعی و فردی آنها بکوشند. حکومت نیز با برنامه ریزی مناسب برای پرورش استعداد های زنان و کسب مدارج علمی توسط آنان زمینه های حضورشان را فراهم و با ایجاد شرایط و محیط های سالم و تنظیم و تدوین قوانین از آنان حمایت کند.

منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. آبوت، پاملا، والاس، کالر، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیره نجم عراقی، تهران، نشر نی؛
۲. آذربایجانی، مسعود، (۱۳۸۸)، عدالت جنسیتی و اشتغال زنان، مطالعات راهبردی زنان، ۴۶- (۱۲)، ۱۰۸ - ۸۱؛
۳. الیسون (بی تا)، «فمینیسم به مثابه فلسفه سیاسی»، ترجمه مریم خراسانی، جامعه سالم، ش ۲۶؛

۴. باقری، شهلا، (۱۳۸۲)، اشتغال زنان در ایران (درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته)، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان؛
۵. بستان (نجفی)، حسین، (۱۳۸۳)، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه؛
۶. جوادی عاملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، زن در آیینه جمال و جلال، قم، اسراء؛
۷. چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۸۹)، خانواده، اسلام و فمینیسم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛
۸. حداد عادل، غلام‌العلی، (۱۳۵۹)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات سروش؛
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، (۱۳۷۴)، وسائل الشیعه، الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، مؤسسه آل بیت (ع)؛
۱۰. حکیم پور، محمد، (۱۳۸۴)، حقوق و زن، در کشاکش سنت و تجدد، جلد دوم، تهران، انتشارات نغمه نواندیش؛
۱۱. حکیمی، محمد، (۱۳۸۱)، دفاع از حقوق زن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛
۱۲. خزعلی، کبرا و دیگران، (۱۳۸۰)، زن، عقل، ایمان و مشورت، تهران، سفیر صبح؛
۱۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران؛

۱۴. رودگر، نرجس، (۱۳۸۸)، فمینیسم، مولود گفتمان غرب، دبیرخانه دومین همایش جهانی مسائل زنان، ره آورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم؛
۱۵. زعفرانچی، لیلا سادات، (۱۳۸۲)، «توصیه های CEDAW برای اشتغال زنان»، کتاب نقد؛
۱۶. زیبایی نژاد، محمدرضا، (۱۳۸۲)، فمینیسم و دانشهای فمینیستی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان؛
۱۷. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، مقدمه بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش؛
۱۸. سفیری، خدیجه، (۱۳۷۷)، جامعه شناسی اشتغال زنان، تهران، تبیان؛
۱۹. شیخی، محمدتقی، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی زنان و خانواده، نشر صدف؛
۲۰. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، (۱۳۸۶)، عروه الوثقی، قم، لطفی؛
۲۱. عراقی، عزت الله، (۱۳۸۶)، حقوق کار، جلد پنجم، تهران، انتشارات سمت؛
۲۲. غلامی، یوسف، (۱۳۸۹)، اخلاق و رفتاری جنسی، قم، نشر معارف؛
۲۳. فلسفی، محمدتقی، (۱۳۷۷)، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، دفتر نشر تربیت اسلامی؛
۲۴. قدیر، محسن، (۱۳۸۵)، اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان؛

۲۵. کارول، الکسیس، (۱۳۵۴)، انسان موجود ناشناخته، ترجمه پرویز دلیری، افست؛
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه؛
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه؛
۲۸. گراگلیا، کارولین، (۱۳۸۵)، فمنیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، جلد دوم، ترجمه معصومه محمدی، قم، نشر معارف؛
۲۹. لوبون، گوستاو، (۱۳۸۶)، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخر داع، تهران، دنیای کتاب؛
۳۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، ج ۴۶، بیروت، مؤسسه الوفاء؛
۳۱. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۵)، از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمنیسم، تهران، شیرازه، چاپ ۳؛
۳۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، حجاب، انتشارات صدرا؛
۳۳. منتسکیو، شارول، لویی دوسکوندا، (۱۳۶۲)، روح القوانین، علی اکبری مهتدی، تهران، امیرکبیر؛
۳۴. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۷۵)، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران؛
۳۵. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛
۳۶. --، (۱۳۷۰)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات آثار امام؛

۳۷. مولاوردی، شهین، (۱۳۷۹)، جنبشهای اجتماعی زنان، روزنامه زنان؛
۳۸. میشل، آندره، (۱۳۷۵)، جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، زیتون، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه، تهران؛
۳۹. نجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱ م)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء، للتراث، ط ۳۱؛
۴۰. هاجری، عبد الرسول، (۱۳۸۶)، فمینیسم جهانی و چالشهای پیش رو، قم، بوستان کتاب؛
۴۱. هدایت نیا، فرج الله، (۱۳۸۵)، اشتغال زنان و مصلحت خانواده در قانون مدنی، نشریه کتاب زنان، ۳۴ (۹)، ۷-۴۶؛
- مقالات
۱. زعفرانچی، لیلا سادات، (۱۳۸۸)، اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفتگوها)، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری؛
۲. زیبایی نژاد، محمدرضا، (۱۳۸۸)، اشتغال زنان: عوامل، پیامدها و رویکردها، مجموعه مقالات و گفتگوهای اشتغال زنان، ۲۱-۱۰۳؛
۳. هدایت، (۱۳۸۳)، کنکاشی حول مسئله اشتغال زنان، ماهنامه تحلیلی ویژه هادیان سیاسی بسیج (هدایت)، سال ۴، شماره ۴۵؛